

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر غلامرضا رضایی فر، رئیس دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی کشور به مناسبت روز جهانی معلولان

پیاده و سواره مسیرهای ویژه معلولان را اشغال کرده‌اند!

گفت‌وگو

محبوبه قربانی

هرسال در روز جهانی معلولان، بحث معیشت، آموزش، اشتغال و درمان افراد دارای معلولیت در صدر گفت‌وگوها قرار می‌گیرد اما کارشناسان تأکید می‌کنند پیش از هر چیز باید از حق حضور در شهر سخن گفت، از مناسب‌سازی فضاهایی که نه فقط برای معلولان، بلکه برای میلیون‌ها ایرانی دارای محدودیت جسمی، سالمندان و افراد با شرایط خاص قابل استفاده باشند. حدود ۱۵ درصد جامعه ما، یعنی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر، معلول هستند که به همین تعداد سالمند داریم، افزون بر این، سالانه حدود ۶۰هزار نفر به جمعیت معلولان اضافه می‌شوند و ممکن است هر یک از ما در آینده جزو این آمار باشیم. با این حال، آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد از ۱۲هزار کیلومتر معابر اصلی تهران تنها حدود ۴۰۰کیلومتر مناسب‌سازی انجام گرفته است و میانگین مناسب‌سازی ساختمان‌های دولتی نیز حدود ۵۴درصد است. این اعداد هشدار می‌دهند، هنوز مسیر طولانی تا دسترسی آسان و ایمن برای همه شهروندان باقی مانده است. به مناسبت این روز، گفت‌وگویی داشتیم با دکتر غلامرضا رضایی فر، رئیس دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی کشور، درباره اینکه چگونه قوانین در دست، فرهنگ‌سازی را پدیدار، فناوری‌های نوین و حمایت خانواده می‌توانند زندگی افراد معلول را مستقل، ایمن و پر نشاط کند و استعدادهای‌شان را به ظهور برساند. رضایی فر معتقد است مشکل اصلی نه در نبود قانون یا منابع مالی، بلکه در فقدان «فرهنگ‌سازی» و «باور» در ذهن طراحان و مسئولان است، باوری که حضور معلول در خیابان، مدرسه یا ایستگاه مترو را حق پیداند، نه لطف و از این مسیر، شهری انسانی‌تر و عادلانه‌تر برای همه ساخته شود.

از وقت مصاحبه‌ای که در اختیار ما گذاشتید تشکر می‌کنم، ابتدا از نقطه شروع مناسب‌سازی و روند پیشرفت آن برای رفاه معلولان بگویید؟

در کشور ما «مناسب‌سازی» یا «دسترسی‌پذیری» طی سال‌های اخیر جدی شده است و این در حالی است که آغاز آن در اروپا به پس از جنگ‌های جهانی و رفع موانع برای مجروحان بازمی‌گردد و بعدها با «طراحی همه‌شمول» توسعه یافت. رویکردی که می‌گوید هر مکان، از ساختمان تا شهر و پارک، باید برای استفاده همه اقشار قابل دسترس باشد. این رویکرد هم مبانی حقوق بشری، هم اخلاقی و حتی شرعی دارد و در قوانین نیز بر آن تأکید شده است. مناسب‌سازی در ایران دو بعد فردی و اجتماعی دارد و نقطه شروع جدی آن سال ۱۳۹۶ با تصویب «قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت» و ابلاغ در سال ۱۳۹۷ بود. فصل دوم این قانون به طور اختصاصی به دسترسی‌پذیری می‌پردازد و نشان می‌دهد؛ قانونگذار قبل از پرداختن به معیشت، درمان یا آموزش، موضوع حضور و تردد را مقدم دانسته است؛ زیرا فرد تا از خانه خارج نشود، نمی‌تواند به خدمات درمانی یا آموزشی دسترسی پیدا کند. به همین دلیل دسترسی‌پذیری، مقدمه تمام حقوق دیگر است. در این قانون چهار ماده به مناسب‌سازی اختصاص دارد. ماده ۲ همه دستگاه‌های دولتی دارای بودجه را موظف به مناسب‌سازی کرده است. بر همین اساس سال گذشته ۲۴هزار ساختمان دولتی ارزیابی شد و میانگین مناسب‌سازی آنها حدود ۴درصد اعلام شد. ماده ۴ شهرداری‌ها را مکلف می‌کند در صورت برپا، به‌روزرسانی و پایان کار، رعایت استاندارد‌های دسترسی‌پذیری را الزامی کنند. بنابراین هیچ ساختمان عمومی نباید بدون مناسب‌سازی پایان کار بگیرد. ماده ۵ نیز مسئولیت مناسب‌سازی پایانه‌ها، ایستگاه‌ها و ناوگان حمل‌ونقل را مشخص می‌کند. حمل‌ونقل برون شهری بر عهده وزارت راه و شهرسازی و حمل‌ونقل درون شهری بر عهده شهرداری‌هاست.

به موضوع حمل‌ونقل اشاره کردید که برای افراد دارای معلولیت بسیار مهم است، این وضعیت چه روندی را پشت سر می‌گذارد؟

معابر و حمل‌ونقل برای افراد دارای معلولیت بسیار مهم است. در تهران سامانه‌ای وجود دارد که افراد دارای معلولیت یک یا دو روز قبل تماس می‌گیرند و برای رفت‌وآمدشان مثلاً برای کار درمانی یا کارهای اداری از خودروهای ویژه استفاده می‌کنند. این خودروها بالا بردن ویلچر را بالا و پایین می‌برند. بیش از صد دستگاه ون مناسب‌سازی شده در تهران فعال است اما این خدمات تمام نیاز افراد دارای معلولیت را پوشش نمی‌دهد. آنها باید بتوانند مثل سایر شهروندان از مترو و سایر وسایل نقلیه عمومی هم استفاده کنند. در حال حاضر از ۱۵۸ ایستگاه مترو، تنها حدود یک سوم این ایستگاه‌ها آسانسور دارند و امکان استفاده برای فرد ویلچری فراهم است. حتی در برخی از ایستگاه‌ها انقدر پله‌ها زیاد و بلند است که حتی یک فرد کلاً سالم هم به سختی تردد دارد و برای یک فرد باردار یا سالمند هم عملاً قابل استفاده نیست.

بنابراین جامعه هدف برای دسترسی‌پذیری، فقط شامل افراد دارای معلولیت نمی‌شود؟

قطعاً. چرا که حدود ۱۵ درصد جامعه ما یعنی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر معلول هستند و ما همین تعداد را هم سالمند داریم. به عبارتی نزدیک به یک چهارم جمعیت کشور به شکل جدی نیازهای خاص حرکتی دارند. علاوه بر این، خانم‌های باردار، والدینی که کالسکه بچه دارند، افرادی که موقتاً دچار شکستگی یا آسیب می‌شوند. همگی نیازمند فضاهای قابل دسترسی هستند. فرض کنید خانمی با کالسکه می‌خواهد خرید کند. حق طبیعی‌اش است که بتواند از پیاده‌رو عبور کند، وارد فروشگاه شود یا سوپر اتوبوس و مترو شود. اما وقتی در ورودی فروشگاه شش پله وجود دارد و رمپ استاندارد نیست، عملاً او محروم می‌شود. این بدان معناست که مناسب‌سازی برای همه آنهایی که شرایط خاص دارند لازم است، نه فقط برای یک گروه خاص مانند معلولان.

البته با ورود اتوبوس‌های جدید به ناوگان حمل‌ونقل عمومی گویا شرایط بهتر شده است. نظر شما چیست؟

در سال‌های اخیر، ناوگان اتوبوسرانی پیشرفت‌های قابل توجهی در مناسب‌سازی داشته و هیچ اتوبوس جدیدی بدون استاندارد‌های دسترسی‌پذیری وارد نشده است. اتوبوس‌های جدید، به ویژه برقی‌ها، ارتفاع قابل تنظیم، رمپ دستی، محل مخصوص ویلچر یا تسمه ایمنی و صندلی‌های ویژه نابینایان با رنگ متفاوت و خط بریل دارند. سامانه‌های صوتی و تصویری اعلام ایستگاه‌ها برای نابینایان و ناشنوایان ضروری است اما همیشه فعال یا استاندارد نیست.

ایستگاه‌های BRT معمولاً با رمپ و سکوهای هم سطح طراحی شده‌اند اما بسیاری از ایستگاه‌های دیگر، به خصوص در مرکز شهر، هنوز استاندارد نیستند و نبود سکو یا تجهیزات مناسب باعث می‌شود راننده مجبور شود به صورت دستی شرایط سوار شدن فرد دارای معلولیت را فراهم کند.

با توجه به داشتن قانون و ورود امکانات و تجهیزات، مشکل اصلی چیست؟

مشکل اصلی نبود فرهنگ مناسب‌سازی است. همانطور که گفتیم قانون کامل داریم اما فرهنگ‌سازی نکرده‌ایم. بسیاری از مسئولان تا زمانی که خودشان حادثه‌ای را پیشان پیش نیاید و نیاز به مناسب‌سازی را حس نکنند، عملاً مع موضوع را درک نمی‌کنند. مشکل دیگر، نگرش است. مدتی قبل گزارشی از یکی از شهرهای جدید اطراف تهران دیدم. یکی از پژوهشگران در بررسی‌ها مشخص کرده بود، خطاهای مناسب‌سازی در ساخت آن شهر بسیار بالاست، در حالی که



همین دلیل نمره صفر می‌گیرم درخواستش این بود که حداقل جلسات امتحاناتش را در طبقه هم کف برگزار کنند! ولی همین همکاری ساده هم باو نمی‌شد.

این فرهنگ‌سازی چه زمانی و چگونه باید شکل بگیرد؟
از همان زمان کودکی. فقط کافی است کتابهای درسی کودکان را نگاه کنیم، مثلاً در پایه اول یا پیش‌دستانی، وقتی تصویر چند کودک در حال بازی کشیده می‌شود، لازم نیست متن خاصی نوشته شود. فقط کافی است یکی از بچه‌ها روی ویلچر باشد یا کودکی با عصا کنار دوستانش ایستاده باشد. همین تصویر به تنهایی به ذهن کودک یک پیام می‌دهد که «فرد دارای معلولیت هم عضوی طبیعی از جامعه است».

هیچ توضیح اضافی لازم نیست. کودک به مرور متوجه می‌شود ممکن است؛ همکلاسی‌اش هم معلول باشد و این کاملاً طبیعی است. اگر این فهم از بچگی در ذهنش شکل بگیرد، وقتی بزرگ شد، هنگام ساخت مدرسه به فکر کودک‌کان معلول هم خواهد بود.

مشکل دیگر که در سطح شهر با آن مواجهیم این است که متأسفانه بعضی فضاهای مناسب‌سازی شده‌اند اما به درستی استفاده نمی‌شوند. در این باره چه توضیحی دارید؟

در تهران بیش از ۱۲هزار کیلومتر معابر اصلی وجود دارد و شهرداری در سال‌های اخیر تلاش کرده حدود ۴۰۰کیلومتر از این مسیرها را مناسب‌سازی کند. با این حال، مناسب‌سازی کامل شهر به دلیل وسعت زیاد و حجم بالای معابر، کاری زمانبر و پرهزینه‌ای است. سرعت عمل شهرداری در چند سال اخیر قابل توجه بوده و گام‌های خوبی برداشته شده است، اما مسئله تنها انجام مناسب‌سازی فیزیکی نیست، فرهنگ‌سازی نیز اهمیت زیادی دارد.

برای مثال، در چهارراه انقلاب بسیاری از پیاده‌روها مناسب‌سازی شده‌اند اما رعایت نکردن مسیرها، زسوی مردم و خودروها باعث می‌شود کار کرد این مناسب‌سازی‌ها محدود شود. خودروها در مسیر تردد معلولان پارک می‌کنند، موتورسواران از روی خطوط ویژه نابینایان عبور می‌کنند یا بساط گستران کلاه‌های خود را روی این مسیرها می‌گذارند. تصور کنید در یکی از چهارراه‌های اصلی تهران، بساط گستری روی خطوط ویژه نابینایان قرار داشته باشد، در نابینا که باید روی این خطوط حرکت کند، بارها با موانع برخورد کرده و دچار مشکل می‌شود. اینها مشکلات واقعی و روزمره‌ای هستند که تردد افراد دارای معلولیت را مختل می‌کنند.

علاوه بر این، نبود آگاهی نیز نقش مهمی دارد. برخی شهروندان نمی‌دانند خطوط برجسته زرد رنگ در پیاده‌رو چه کاربردی دارد و حتی برخی کارگران که در حال کار در پیاده رو هستند، اطلاع ندارند این امکانات برای چه منظوری و برای چه کسانی طراحی شده است. در حالی که کارشناسان و پیمانکاران باید این آموزش را به نیروهای اجرایی منتقل کنند تا امکانات به درستی استفاده شود.

در دوران جدید فناوری، آیا امکانات و ابزارهای دیجیتال

در بسیاری از مناطق، حتی مدارس نوساز نیز بدون هیچ گونه رمپ یا مسیر دسترسی‌پذیر ساخته می‌شوند، گویی هیچ دانش آموز معلولی در آن منطقه وجود ندارد! این در حالی است که مناسب‌سازی از ابتدا هزینه‌ای ندارد و تنها به باور و توجه نیاز دارد. نبود مناسب‌سازی در مدارس موجب انزوای دانش آموزان دارای معلولیت و محرومیت آنها از آموزش می‌شود. در حالی که با حمایت و فراهم کردن امکانات، این افراد می‌توانند به موفقیت‌های بزرگ برسند. در مدارس قدیمی هم کافی است مدیران با همکاری سده‌ای مانند انتخاب کلاس طبقه هم کف برای دانش آموز معلول کمک کنند، اما این همکاری ساده هم در برخی مدارس انجام نمی‌شود!

د

توانسته‌اند، دسترسی افراد معلول را بهتر و کاربردی‌تر کنند؟

بله و این یعنی نیاز به حضور فیزیکی معلولان در فضای واقعی، کاهش پیدا کرده است و آنها می‌توانند از امکانات استفاده کنند و کارهایی که قبلاً نمی‌توانستند را با فناوری‌های دیجیتال انجام دهند. مانند خانه‌های هوشمند. افراد می‌توانند با گفتن یک فرمان، در خانه را باز کنند، تلویزیون را روشن کنند یا اجاق را خاموش کنند. حتی سالمندان هم می‌توانند بدون خطر سوختگی آب را برای شست‌وشو تنظیم کنند. مثلاً یک شیر آب هوشمند داریم که سالمند می‌تواند به راحتی دمای آب را ۲۸ درجه تنظیم کند و آب دقیقاً روی همان درجه بیاید و دیگر خطری نداشته باشد. این فناوری‌ها به زندگی معلولان و سالمندان کمک زیادی می‌کند.

چنین فناوری‌هایی در ایران هم موجود است؟

بله، در ایران هم قابل دسترس است. علاوه بر این، ما آیین‌نامه‌ها و مصوباتی داریم که سامانه‌ها و وبگاه‌ها نیز باید دسترس‌پذیر باشند. مثلاً نابینایان و کم بینایان بتوانند به سایت‌های سازمان بهزیستی یا سایت‌های خبری دسترسی پیدا کنند.

چطور این دسترسی‌های فراهم می‌شود؟

طبق استاندارد جهانی WCAG، یعنی دستورالعمل‌های دسترسی محتوای وب که سازمان استاندارد ایران چک‌لیست‌ها و شاخص‌هایی براساس این استاندارد ارائه کرده است، برای مثال، اگر فردی کم‌بینا باشد و نتواند متن را واضح ببیند، سامانه می‌تواند تضاد رنگی ایجاد کند (صفحه سیاه، خطوط سفید)، تصاویر اضافی را حذف کند، فونت را بزرگ‌تر کند و فاصله بین خطوط و کلمات را افزایش دهد، با فلش یا نشانگر، امکان تمرکز روی کلمات را بدهد. با این روش‌ها، کم بینایان می‌توانند متن‌ها را بخوانند و نابینایان می‌توانند از سیستم‌های گویا و کیبورد استفاده کنند. مثلاً در کتابخانه ملی، نابینایان می‌توانند با یک دکمه پخش صوتی سایت را فعال کنند و محتوای آن را بشنوند. برای تماس با شماره‌های اضطراری مثل ۱۱۵ یا ۱۲۵ نیز اقدامات در حال انجام و پیگیری است. البته از مهر امسال در شهر کاشان، ارتباط ویژه ناشنوایان با اورژانس برقرار شده است و تا الان نیز دو مورد استفاده شده است. یک مورد گیر کردن یک معلول در آسانسور و دیگری یک مورد اطفای حریق بود.

از تجهیزات مناسب‌سازی در برخی هتل‌ها بگویید. چه امکاناتی در آنجا تعبیه شده است؟

یکی از این امکانات، تلفن اتاق در هتل‌هاست. یک دستگاه ویره زنگ تشک و یک چراغ بالای تخت نصب می‌شود تا ناشنوایان متوجه زنگ شود. زنگ در اتاق هم نمونه دیگری است. مثلاً چراغ بالای در روشن و خاموش می‌شود تا ناشنوایان متوجه ورود مهمان شوند. در هشدار آتش سوزی نیز کنار سورت هشدار، چراغ قرمز نصب می‌شود تا ناشنوای خطر را بفهمد. برخی هتل‌ها مثل هتل رفوف در مشهد، اتاق‌هایی ویژه معلولان دارند و تعدادی از آنها برای ناشنوایان مناسب‌سازی شده‌اند. در تهران هم اقداماتی در این زمینه انجام شده است.

مهم‌ترین دستاورد این فناوری‌ها به افراد معلول چیست؟

فناوری‌های نوین و مناسب‌سازی‌های ساده، نقش مهمی در افزایش استقلال و کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت دارند. ابزارهایی مانند ویلچرهای کنترل‌شونده با نگاه یا عینک‌های هوشمند برای نابینایان، نیاز به کمک دیگران را کاهش می‌دهند و امکان زندگی مستقل و ایمن را فراهم می‌کنند. هر نوع تسهیل و فناوری می‌تواند استعدادهای این افراد را آشکافد، مانند بانوی نابینایی که با وجود محدودیت بینایی، مدیر یک گروه سفر بود و به‌طور مستقل تمام کارهای سفر را انجام می‌داد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد، افراد دارای معلولیت با تکیه بر فناوری و حس‌های تقویت‌شده می‌توانند زندگی فعال و پرتوانی داشته باشند.

کنار همه این امکانات، حمایت خانواده و جامعه چقدر می‌تواند به استقلال افراد معلول کمک کند؟

واقعیت این است، تعداد معلولین در کشور قابل توجه است و در سال حدود ۶۰هزار نفر به جمعیت آنها بنا به دلایل متفاوت اضافه می‌شود و ممکن است هر کدام از ما جزو این آمار باشیم. بنابراین باید مراقب خودمان باشیم و همواره پیشگیری را جدی بگیریم. اما به هر دلیلی اگر هم اتفاقی افتاد، با درک و همدلی، شرایط زندگی را برای افراد معلول به بهترین شکل ممکن تسهیل کنیم. یاد پسر جوانی افتادم که بسیار زیبا بود. هنرمند و نقاش بود و از نظر اجتماعی و اقتصادی از سطح بالایی برخوردار بود ولی در یک حادثه استکی در فرانسه، به سنگ برخورد کرد و دچار ضربه مغزی شد. او با اینکه با محدودیت‌های شدید جسمی مواجه شده بود اما با حمایت خانواده و بهرهمندی از امکانات توانست استقلالش را به دست آورد؛ طوری که آثار نقاشی‌هایش در نمایشگاه‌های بین‌المللی به فروش برسد. این مثال نشان می‌دهد هر کدام از ما ممکن است در شرایط مشابه قرار بگیریم. یک لحظه غفلت، یک حادثه کوچک زندگی ما را تغییر می‌دهد. باید هوشیار باشیم، پیشگیری کنیم و قدرت‌دان سلامتی و توانایی‌هایمان باشیم و اگر خلی ایجاد شد با حمایت خانواده و جامعه به سکوی پیشرفت و زندگی با نشاط دست پیدا کنیم.